

در سرمقاله محمد رضا لاهوتی ریس مرکز مطالعات و تحقیقات هنری و دبیر همایش هنر و جهانی شدن در مجموعه «بازتاب رسانه‌ای» چنین می‌خوانیم:


جامعه بالنده و لزوم بهره‌گیری از نگاه توسعه یافته

آغاز و انجام یک همایش



۲۷ و ۲۸ دی ماه سال جاری، روزهای با شکوهی: اولاً برای «پژوهش»، ثانیاً برای «پژوهش هنر» و ثالثاً برای «هنر» کشور بود: اجتماع عظیم علاقه‌مندان، به مباحث پژوهشی، در محل برگزاری همایش، خود، گویای این مدعاست. اجتماع عظیمی که از ۹ صبح شکل می‌گرفت و تا ۸ شب حضوری فعال و سازنده داشت: این اجتماع نه برای تماشای فیلم و نه برای استفاده از یک برنامه موسیقی - که هر یک در جای خود نشان از نوعی بالندگی دارد - که برای بهره‌مندی از یافته‌های پژوهشی و آشنایی با دیدگاه‌های هنرمندان محقق، پژوهشگران، فلاسفه و اندیشمندان داخلی و خارجی گرد هم آمده بودند.

به هر روی، پژوهش هنر، یک بار دیگر، برادری خود را به اثبات رساند: چون ظاهراً فرض بر این بوده است که فعالیت‌های پژوهشی را - لابد از آن حیث که پژوهشی است - قوت لایموت کافی است و هم لابد از همان حیث که پژوهشی است، انجام یا عدم انجامش خیلی توفیر (بخوانید: تفاوت) نمی‌کند! درباره عدم توجه به پژوهش؛ به‌ویژه پژوهش هنر، سه پیش فرض، در برابر ماست: اولاً برادراست و نیازی به اثبات برادری ندارد؛ لکن از آنجا که نهایتاً به آن توجهی نمی‌شود؛ فرض این تواند بود که نوعی نگاه غیر فرهنگی و غیر شناختی فایق آمده است. دو دیگر آن که برادر است ولی برادر ناتنی است و برادر ناتنی، حق و حقوقی ندارد؛ مگر آن که به نحوی اثبات گردد - که دارای حق و حقوق است. و سه دیگر این که اساس برادری، مورد تردید است؛ چه تنی باشد و



چه نانتی. برای پژوهش هنر اما، پیش فرض دوم، بیشتر محل تأمل بوده است و با این فرض که همایش یاد شده به خوبی توانسته است در جهت اثبات برادری، گام‌های بسیار بلندتری بردارد؛ نتیجه آن خواهد شد که: پس، دارای حق و حقوق است. آنچه که گفته آمد، طبعاً، در یک فضای شناختی و کاملاً فرهنگی مورد توجه و تأمل قرار خواهد گرفت؛ در غیر این صورت؛ شاید، یک همایش دیگر لازم آید و یک اثبات دیگر. بعید هم نیست که نهایتاً به این نتیجه دست یابیم که موفقیت فعالیت‌های پژوهشی، در گرو همین تردیدها و اثبات برادری‌هاست. کسی چه می‌داند؟ تحقیق و پژوهش، این نکته را هم مشخص تواند کرد. و مگر مشخص نکرده است؟